



گلکشت (مهر گلین ساسانی؟)

علی حصوری

موضوع مهرهای گلی که در اینجا مورد بحث ماست، بارها بوسیله متخصصان مطرح شده و بیش از همه ر.ن. فرای به علت دسترسی به مجموعه‌های بزرگ (مانند آنچه از قصر ابونصر کشف شده یا مجموعه فروغی) در این باره قلم زده است. در این یادداشت چند نکته مطرح خواهد شد که شاید کمکی به فهم برخی مسائل در این زمینه بکند.

1- تاکنون نام ویژه‌ای به این مهرها داده نشده و تنها ر. ن. فرای میان انواع مهرها (مانند آنها که درست بجای امضاء کاربرد داشته با آنچه که کار برچسب را می‌کرده است) تفاوت گذاشته است (Frye, 1970, p.245).

تاکنون نام ایرانی این مهرها هم پیدا نشده است. تا آنجا که من می‌دانم تنها جوالیقی در المعرب زیر واژه "القرقس" می‌نویسد: "طین یختم به، فارسی معرب یقال له بالفارسیة جرجشت" (جوالیقی، 1309 زیر واژه، ص 270). این روشن است که "جرجشت" شکل فارسی ندارد (بافت صدائی آن فارسی نیست) و خود باید شکل عوض کرده باشد. من حدس می‌زنم که واژه اصلی به دو شکل و از دو راه عربی شده است. یکی به شکل جرجشت، با خواندن واژه با دوجیم بجای مثلا دو "چ" یا دو "گ" و دیگری به شکل قرقس، با پنداشتن دو "ک" برای اصل آن که در همه شکل‌های مذکور، صورت پهلوی آن یکی است. شکل قرقس ما را بیشتر مطمئن می‌کند که دو حرف یاد شده بایستی از نوع "گ" یا "ک" بوده باشد، حال اگر بخواهیم به حدس متوسل شویم باید فکر کنیم که بخش نخست واژه همان گل (gel/gil) است که هم از جهت آواها و هم معنا با گل و مهر گلی مربوط است، به طور نظری احتمال این که هر دو یک حرف باشد کمتر است. از آنجا که احتمال چشت (cešt/cišt) بودن جزء دویم کمتر است، و اگر واژه را "گشت" (gešt/ gišt) بدانیم، کمتر می‌توان اسم مفعولی به این شکل یافت که از جهت معنایی با گل سازگار باشد و ترکیب آن با گل معنی مهر گلی بدهد، ناگزیر باید به فکر اسم مفعولی از ریشه‌ای باشیم که معنی "نشان، نشاندن، زده" و مانند آن بدهد. دو ریشه مهم سازگار داریم که با "ک" آغاز می‌شود، یعنی karš2- و karš1- که نخستین به معنی کشیدن است و دیگری کشتن (کاشتن) که اسم مفعول آنها در دوره میانه زبان فارسی ممکن بود به شکلی در آید (کشت) که معرب آن، با یا بی هماهنگی صداها (کسره گل با کسره کشت) در شکل کشت kešt/ kišt دو معنی بدهد که هر دو تقریباً به یک اندازه احتمال دارد، یکی به معنی نشاندن بر گل یا کشیده بر گل (impressed) و دیگری کاشته بر گل. به نظر من هر دو ریشه به یک اندازه قابل دفاع است و ترجیح یکی بر دیگری دست کم از نظر من توجیه مهمی ندارد، هرچند نقش کشیدن در فارسی روان‌تر از نقش





کاشتن است. به این ترتیب نام مهر گلی را "گلکشت" (gelkešt) پیشنهاد می‌کنم و می‌پندارم که در دوره ساسانی هم چنین تلفظی داشته است.

2- موضوع دیگر کاربرد و اعتبار این مهرها و پشتوانه حقوقی و اجتماعی آنهاست. تا به حال به سوالهای محدودی در این زمینه پاسخ داده شده است. از آنجا که تا به حال چند گلکشت بسته به یک پاره چرم و چند تا هم بسته به اشیاء پیدا شده، ر.ن. فرای بر پایه آنها دریافت که این مهرها دو نقش داشته است:

الف- مهر تائیدی بوده است از جانب یک مقام رسمی و یک یا چند تن شاهد که صورت دارائی یا میزان مالیات را تعیین می‌کرده است. این نکته از آنجا دریافته می‌شود که روی بیشتر این گلکشتها یک مهر از یک مقام و بیشتر یک یا چند مهر کوچک از دیگران در پیرامون آن و حتی روی لبه مهر دیده می‌شود. مثلاً در مجموعه فروغی بیشتر نشانه یک موبد بزرگ و چند شاهد یا مثلاً کرمان آمارگر یا دارابگرد آمارگر به همراه چند مهر کوچک دیده می‌شود (Frye, idem). نویسنده هم خود چند نمونه از این گلکشتها را در دست عتیقه فروشان شیراز در سالهای 1352 تا 1355 دیده است.

ب- تنها کارکرد امضای امروزی را داشته و نشانه تائید یا تضمین در کارهای عادی و غیر دولتی بوده است. بر نظر دویم فرای می‌توان این نکته را افزود که تفاوتی میان مهری که در اسناد دولتی، مثلاً گلکشت کرمان آمارگر به کار می‌رفته، با مهرهای غیر دولتی نیست، یا دست کم چنین چیزی قابل اثبات نیست و باید همه مهرها را دارای کارکرد همگانی، چه در کارهای دولتی چه غیر دولتی شمرد.

نکته‌ای که باید آن را در نظر داشت این که ابداع مهر گلی در جهان باستان نوعی بیمه اسناد است، زیرا کاغذ، چرم و مانند آن کم، گران و کم دوام بوده است، در حالی که مهر گلی به دلیل سفالی بودن در برابر آتش و آب و هوا بسیار مقاوم‌تر بود و از این دیدگاه بایستی در تائید، تسجیل، شهادت، ضمانت و بسیاری کارهای دیگر مورد استفاده بوده باشد. این قابل تصور است که یک پاره گلکشت، در جامعه‌ای بی‌سواد، خود ممکن بود به شکل گروگان، سپرده یا تضمین نامه کار بکند. برای ما که امروز از وسائل بسیار پیشرفته‌تری برخورداریم، طبعاً دشوار است که همه امکانات استفاده از گلکشت را یکجا و تنها بر پایه شواهد حدس بزنیم. در این مورد لازم است همه جریانات اقتصادی و اجتماعی و بویژه مالیات را در نظر داشته باشیم. به این ترتیب می‌توان فهرست دقیق‌تری از کارکردهای گلکشت و مهرهای دوره ساسانی به دست آورد. اما یک مورد زنده وجود دارد که بخش مهمی از کارکرد این مهرها را نشان می‌دهد و آن مهر اشخاص بی‌سواد در دوره ما است که کار امضا را می‌کند. در روزگار باستان که انگشت‌نگاری و نشان انگشت معنی نداشته، بی‌گمان نشان یک مهر تنها چیزی بوده که می‌توانسته در همه موارد حقوقی به کار رود. مهر گلی (گلکشت) وجود و بقای اثر مهر اصلی را تضمین می‌کرد.





ج- نویسنده تا به حال به مهر گلی اسلامی بر نخورده است، اما این بدان معنی نیست که پس از اسلام، گلکشت از کار افتاده است. برخی از همین نمونه‌ها از سده‌های¹ نخست و دویم هجری هستند. گذشته از این باید دانست که تا استقرار نظام دقیق مدنی و حقوقی، بی‌گمان ایرانیان از همان مهرهای کهن استفاده می‌کردند، حتی اگر مضمون‌های اسلامی نداشت. از روی دویم نگین‌های بسیاری که دارای مهری ساسانی بوده برای کندن مهری اسلامی استفاده شده است و نمونه‌های آنها را من خود دیده‌ام.

دیگر این که نظام نو نمی‌توانست چنان وسائل سودمند و سابقه‌داری را از میان ببرد، زیرا وسیله‌ای بهتر از آن برای کارهای مالی و دادوستدها در اختیار نداشت، چنان که در سکه‌ها نبرد و تقریباً تا پایان نخستین سده هجری، سکه‌های اسلامی دارای الگوی سکه‌های ساسانی بود. شاید به همین دلیل بود که مسلمانان خود از آن تقلید کردند، زیرا طبری گزارش می‌کند که عمر، نخستین کسی بود که بر گل مهر کرد: "عمر (رضه) اول من ارخ و ختم بالطين" (طبری، ج. 5، ص 2749). بر این پایه بی‌گمان مهر گلی در نخستین سده اسلامی به تقلید از ایرانیان در میان مسلمانان به کار رفته است. اما نمی‌دانیم که این کار تا چه حد رواج داشته و در چه زمانی از رواج افتاده است. بی‌گمان رونق کاغذ سازی در ایران شمال شرقی در از رواج افتادن آن بی‌اثر نبوده است. در عین حال از دگرگونی جنبه عملی حقوق اسلامی در دستگاه خلافت هم آگاهی بسنده نداریم.

مهر گلی یا گلکشت در خارج از ایران هم کار برد داشته و از جمله در تمدن اژه هم به کار می‌رفته است (Warren, 1975, p.37).

در این کتاب دو مهر می‌بینیم که بر خلاف گلکشت ساسانی شکل نامنظم دارد. این مهرها از کاخ کنوسوس (Knosos) به دست آمده است.

این مقاله در زمستان 1355 نوشته و مفاد آن برای استاد ریچارد فرای گفته شد که از آن استقبال کرد.

مآخذ:

جوالیقی، ابو منصور موهوب بن احمد بن محمد بن الخضر (ا 1309) *المعرب من الکلام الاعجمی علی حروف المعجم*، تحقیق و شرح احمد شاکر، چاپ افست تهران (1966).

طبری، محمد بن جریر (1964)، *تاریخ الرسل و الملوک*، چاپ دوخویه، ج. 5.

Frye, R. N. (1970) "Sasanian seal inscriptions" in *Beiträge zur alten Geschichte und deren Nachleben Festschrift für Franz Altheim*, Berlin.

Warren, Peter. (1975), *The Aegean Civilizations*, Oxford.

¹ به اعتقاد نگارنده سده درست است و نه سده. سده در فارسی به معنی ظهور است که جشن سده هم به همین معنی است و نباید آن را با صد و سده به یک شکل نوشت (ویراستار).

